

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۴۳ هـ.ق - نورالحسین)

۲۴ مرداد ۱۴۰۰

خطبه‌ی شب ششم (قرائت سوره مبارکه نجم)

سلام بر امری که در درون جان عالم در جریان است تا روزها و شب‌ها از پی یکدیگر بیاید. مُدبرِ اُمور، امور عالم را در تدبیر خویش گیرد. روزی خورندگان بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و هیچ مخلوقی گرسنه نماند. ظاهر عمل‌ها در کار و تلاش باشد و باطن عمل‌ها در پرستش آفریننده‌ی جان‌ها. پروردگاری که از بدو خلقت جهان را به فصل‌ها و ماه‌ها آراست. آنگاه هدایت گران‌ش را به عظمت خلقتش آشنا فرمود تا غیب را در جان‌شان حس کنند سپس با تمام آنچه از آنجا آورده‌اند مردم را به دنیایی هدایت کنند که توان درکش را ندارند.

به همین منظور معجزه به میدان می‌آید تا قلب‌ها و دیده‌ها را تسخیر کند و غیب الهی معنا شود مانند مردمان عصر کنونی که از دریچه‌ی غیب زمان شنونده‌ی وقایع سال‌هایی می‌شوند که وجودشان در امانت‌الست به سر می‌برده و هنوز دنیای خاکی را نمی‌شناختند. اینک به آن قدم گذارده‌اند. در دامن پدر و مادرشان به رشد رسیدند آنگاه در پی یافتن مجهولات درونشان به جستجو پرداخته‌اند. دینشان را و رهبرهای دینی‌شان را انتخاب کرده و در راه تکامل آنچه در گذشته اتفاق افتاده و باید اکنون آیین‌های عملشان شود در تلاش‌اند تا معمای اتفاقات زمان برایشان حل شود.

پس با مولایشان به سفر تاریخ می‌روند. به روزهایی که عالم در نفس‌های جان‌هایی مطهر بود که مردمان عصرشان توان درکش را نداشتند پس به طرف باطل زمان به حرکت درآمده بودند. پیامبرشان از دنیا رحلت فرموده بود و فرزندان‌ش پرچم‌دار رسالتش بودند. رسالتی که در مکرها و حیل‌های مسلمان‌نما می‌رفت تا مجدداً به جاهلیت بازگردد. در این زمان وجود با برکت پیامبر (ص) فرزندش حضرت اباعبدالله (ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد و وظایفی را به عهده‌ی ایشان می‌گذارد که می‌شود منشأ حرکت به طرف کربلا. صدای ملکوتی پیامبر (ص) در جان امام می‌پیچد: ای

بهترین بنده‌ی پروردگار تو را به سفری فرمان می‌دهم که کوچ از مدینه است. در این سفر همه‌ی اهل بیت حضور دارند زیرا سازنده‌ی تاریخ انقلابی هستند که نقشش تا قیامت مکر مکاران را در آلوده کردن چهره‌ی پاک حقیقت جوین آیین محمدی (ص) برملا می‌سازد.

پس روی سخنم با دخترم زینب است. پیام مرا به دخترم برسان و بگو جدّ رسول خدا (ص) فرمود: ای پاره‌ی تنم، جان مانند گوهرت در سختی‌های زمان به مانند جدّت مجروح خواهد شد پس از آن را با داروی عشق مداوا کن تا توان حمل تاریخی را داشته باشی که آیین‌های حق است در تمام دوران‌ها تا قیامت. دورانی که نامت را به‌عنوان بزرگ‌ترین مبارز حق خواهند شناخت. پس منتظر باش تا زمان فرمان خویش را آشکار کند مانند مردمان آخرالزمان که در انتظار دولت حق هستند، برای آمدنش به دامن پروردگارشان با دعا و مویه پناه می‌برند و برای برقراری‌اش فریاد می‌زنند:

اللهم عجل لولیک الفرّج